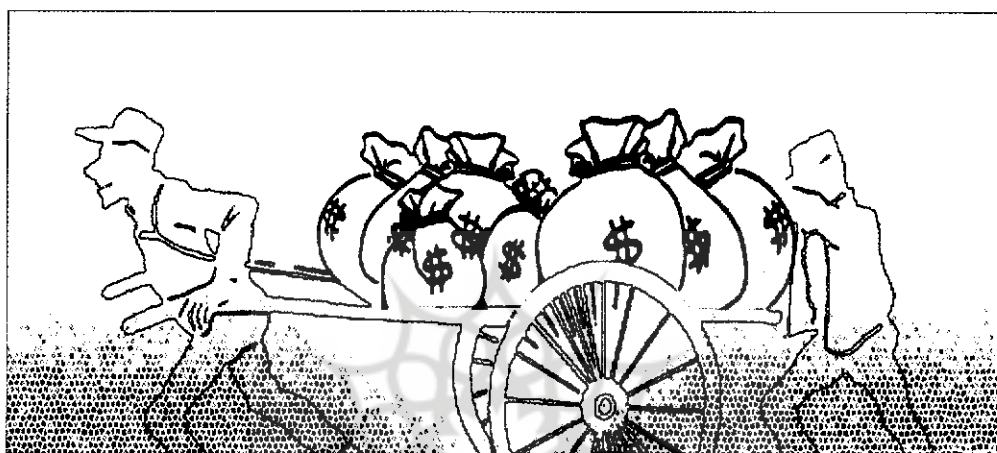


## تأثیر هموارسازی سود بر بازده شرکت‌ها



حسین نورانی  
عضو هیات علمی دانشگاه هرمزگان

باشند و همچنین سرمایه‌گذاران معتقدند شرکت‌هایی که سودهای پرنوسانی به منظور نشان دادن تصویری با ثبات از روند سودآوری و کسب بازده بالا در چهارچوب انعطاف‌پذیر اصول پذیرفته شده حسابداری به هموارسازی سود دست می‌زنند.

### تعریف هموارسازی سود

تعاریف متفاوت و متعددی از هموارسازی سود صورت گرفته است. برای شناخت بیشتر، مواردی از تعریف‌های صورت گرفته آورده می‌شود.

فرهنگ حسابداری کهلر، هموارسازی سود را به این صورت تعریف می‌کند: "هر شیوه‌ای که به منظور حذف بی‌نظمی داده‌ها طراحی شده است، همانند نوسان‌های غیرعادی در یک منحنی که ممکن است در نتیجه شرایط غیرمستمر عملیاتی باشد را هموارسازی سود می‌نامند." از نظر هپ ورت، هموارسازی سود عملی سفسطه‌آمیز و رندانه است که در محدوده اصول و استانداردهای حسابداری صورت می‌گیرد. سودهای هموار به دو صورت زیر می‌باشد:

### چکیده

این مقاله تأثیر هموارسازی سود بر بازده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد مطالعه قرار می‌دهد در آن، ابتدا تعریفی از هموارسازی سود ارائه می‌شود، سپس انواع هموارسازی سود، انگیزه‌های هموارسازی سود، ابزارهای هموارسازی مصنوعی سود، عوامل موثر بر هموارسازی سود به طور مختصر بیان خواهد شد. بعد از اشاره مختصر به ادبیات هموارسازی سود، تأثیر هموارسازی سود در بازده شرکت‌های جامعه مورد مطالعه، بررسی می‌شود.

### مقدمه

هموارسازی سود به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که به منظور کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود، شکل می‌گیرد. بسیاری از پژوهشگران هپ ورت<sup>۱</sup> را نخستین معرف رفتار هموارسازی سود می‌دانند. پژوهشگران زیادی بر این باورند که سرمایه‌گذاران، ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از روند ثابت سودآوری برخوردار

۱) سودهایی که به طور طبیعی هموار است<sup>۲</sup>  
این نوع از سودهای هموار به جریان‌های سودی اطلاق می‌شود که از فرایندهای عملیاتی ذاتاً هموار به دست می‌آید. بعضی از صنایع هستند که حجم تولید و فروش و قیمت‌ها در این صنایع بطور ذاتی یک روند هموار دارد مثل صنایع آب و برق که معمولاً قیمت ثابتی دارد و با نرخی ثابت رشد دارند. ۲) سودهایی که به طور طبیعی هموار نیستند و عمدتاً هموار شده‌اند<sup>۳</sup>

این نوع سودها در نتیجه اقدامات و تصمیم‌های مدیریت هموار شده‌اند و به دو صورت زیر می‌باشند:

۱-۲) هموارسازی واقعی:<sup>۴</sup> این نوع از هموارسازی سود توسط مدیریت صورت می‌پذیرد و مدیریت برخی از رویدادها و وقایع اقتصادی را کنترل می‌کند و روی آن تاثیر می‌گذارد. این رویدادهای تحت کنترل مدیریت مثل فروش‌های زودرس یا بر عکس آن به تاخیر انداختن فروش، بر جریان وجه نقد تاثیر می‌گذارد. از آنجایی که کنترل رویدادهای اقتصادی (مبادلات)، مستقیماً بر سودهای آتی موثر است این نوع هموارسازی را واقعی می‌نامند.

۲-۲) هموارسازی مصنوعی:<sup>۵</sup> این نوع هموارسازی ناشی از رویداد اقتصادی نمی‌باشد، بلکه از اقدام‌هایی است که اصطلاحاً "دستکاری‌های حسابداری"<sup>۶</sup> نامیده می‌شود. و تاثیری بر جریان‌های نقدی ندارد. به بیان دیگر، هموارسازی تصنعی سود صرفاً موجب جابجایی هزینه‌ها و درآمدهای بین دوره‌ای مالی می‌شود.

انگیزه‌های هموارسازی مصنوعی سود  
جو (۱۹۹۱) بروز پدیده هموارسازی سود را نشان از انگیزه‌هایی به شرح زیر می‌داند: (Joo, 1991)

الف) افزایش رفاه سهامداران<sup>۷</sup>  
محققان معتقدند که انگیزه اصلی مدیران از هموارسازی سود، افزایش ارزش سهام شرکت می‌باشد چون سهامداران حاضرند برای شرکت‌های دارای سود پایدار، بهای بیشتری را بپردازند و در حالت کلی، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی دارند که سودهای همواری را گزارش می‌کنند نسبت به شرکت‌هایی که سودهای پرنوسانی را گزارش می‌کنند دارای ریسک کمتری هستند.

بید لمن معتقد است مدیریت فرض می‌کند که سهامداران تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی نشان می‌دهند که دارای سودهای هموار هستند. زیرا سودهای هموار، نشان‌دهنده ثبات شرکت و سودهای پرنوسان دلیلی بر ریسکی بودن عملیات شرکت تلقی می‌شود (Bidelman 1977). لو و کونتیزکی به این

نتیجه رسیدند که هموارسازی سود در راستای هدف کاهش عدم اطمینان‌های مربوط به خالص جریان‌های نقدی مورد انتظار عمل می‌کند و در نتیجه به صرف ریسک پایین‌تری در قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای می‌انجامد، و نتایج بیدلمن را تایید کردند (Lev and Kunitizky 1974).

هپ ورث معتقد است که سهامداران فرض می‌کنند که کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود پرداخت‌های مالیاتی را کاهش می‌دهد (Hepworth, 1953).

گوردن معتقد است که مدیران به این خاطر به هموارسازی سود روی می‌آورند که معتقدند اگر سودهای همواری را گزارش کنند، نشان از عملکرد خوب آنها دارد و برعکس اگر سودهای پرنوسانی را گزارش کردند نشان از بی‌ثباتی در شرکت و عملکرد ضعیف آنها دارد (Gordon 1964).

هپ ورث معتقد است که هموارسازی سود منجر به کاهش مالیات پرداختی و ایجاد ذهنیت بهتر سهامداران نسبت به سودهای کم نوسان می‌شود (Hepworth, 1953). این نوع استدلال‌ها از سوی طرفداران فرضیه بازار کارای سرمایه به باد انتقاد گرفته شده است. طرفداران فرضیه بازار کارا معتقدند که در بازار کارای سرمایه سهامداران و در کل بازار در مورد رویدادهایی بدون تاثیر بر جریان‌های نقدی، گمراه نخواهند شد، زیرا بازار این توانایی را دارد که دستکاری‌های سود را تشخیص دهد (Imhoff, 1981).

ب) تسهیل قابلیت پیش بینی سود<sup>۸</sup>  
مدیریت و سهامداران در صورت وجود هموارسازی سود، راحت‌تر می‌توانند برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی کنند. و سهامداران و سرمایه‌گذاران نیز بازده سهم و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری خود آسان‌تر محاسبه می‌کنند. مدیران در صورت وجود سودهای پرنوسان نمی‌توانند به راحتی برای آینده برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی کنند. سهامداران نیز در مورد سودهای قابل تقسیم و پیش‌بینی قیمت سهام در آینده با مشکل مواجه خواهند شد. رونن و سادن (Ronen and Saden, 1981) بارنی (Barnea, 1976) به این نتیجه رسیدند که پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی یا توسل به سودهای هموار متوالی نسبت به سودهای واقعی متوالی که در برگیرنده اقلام غیرمترقبه، برتری دارد. مطالعات بارنی، رونن و سادن به این نتیجه دست یافتند که مدیریت به منظور افزایش توانایی سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی جریان نقدی آتی به هموارسازی سود دست می‌زنند و معتقدند وجود هموارسازی سود این امر را تسهیل می‌کند (Barnea, Ronen and Saden 1975).

ج) افزایش رفاه مدیریت<sup>۹</sup>  
یکی از انگیزه‌های مدیریت برای هموارسازی سود، منافع مدیریت است. در اکثر واحدهای تجاری، پاداش

در هموارسازی مصنوعی مدیریت با استفاده از یک سری روش‌ها به دستکاری سود می‌پردازد. روش‌ها یا ابزارهای هموارسازی سود را رونن و سادن (Ronen and sadan, 1981) به شرح زیر می‌دانند:

#### الف) هموارسازی از طریق زمان‌بندی رویدادها<sup>۱۱</sup>

زمان‌بندی رویدادها یک انتخاب مدیریت است تا یک انتخاب حسابداری. مدیر برای هموار کردن سود، رویدادهای اتفاق افتاده را مثلاً ثبت فروش به عنوان پیش دریافت یا ثبت پیش دریافت به عنوان فروش در زمان خود شناسایی و ثبت نمی‌کند و به سال‌های دیگر انتقال می‌دهد. در این روش مدیران در سال‌هایی که قصد دارند سودشان کمتر شود فروش‌های آخر سال مالی را دیرتر شناسایی می‌کنند تا این فروش‌ها در سال آتی ثبت شود و در نتیجه، درآمدهای سال جاری کمتر گزارش گردند یا می‌تواند از طریق شناسایی هزینه‌های مربوط به آغاز سال آتی در سال جاری، هزینه‌های سال جاری را بیشتر شناسایی کند تا سود سال جاری کمتر شود یا در سال‌هایی که قصد دارد سود بیشتری را گزارش کند دقیقاً عکس حالت قبل رخ می‌دهد و درآمدهای سال آتی را در سال جاری و زودتر شناسایی می‌کنند یا هزینه‌های سال جاری به سال آتی انتقال می‌یابد.

#### ب) هموارسازی سود از طریق انتخاب روش‌های تخصیص<sup>۱۲</sup>

بعضی از روش‌های حسابداری، منجر به سودهای هموار می‌شوند برای نمونه در روش‌های استهلاک، اگر هزینه استهلاک براساس ساعت کارکرد یا تعداد تولید محاسبه شود هر قدر ساعات کارکرد و تعداد تولید محصول بیشتر باشد هزینه استهلاک نیز به همان نسبت بیشتر خواهد بود. پس هر چقدر درآمد یا فروش بیشتر شود، هزینه هم بیشتر خواهد بود و سود نیز با روندی ثابت تغییر خواهد کرد. ولی اگر هزینه استهلاک براساس یکی از روش‌های خط مستقیم یا نزولی محاسبه شود هزینه استهلاک محاسبه شده با میزان درآمد یا فروش مرتبط نیست. از بین روش‌های نگهداری موجودی‌ها، و روش‌های ذخیره‌گیری حساب‌های دریافتی، روش‌های دارای دیدگاه سود (زیانی)، با میزان فروش مرتبط هستند. پس مدیر با استفاده از روش‌های حسابداری می‌تواند سودهای همواری را گزارش کند.

#### ج) هموارسازی سود از طریق طبقه‌بندی رویدادها<sup>۱۳</sup>

مدیران از طریق طبقه‌بندی رویدادها دست به هموارسازی سود می‌زنند به عنوان نمونه، عادی یا غیرعادی تلقی کردن برخی اقلام سود (زیان) منجر به افزایش یا کاهش سود عملیاتی خواهد شد. تحقیقات صورت گرفته در مورد

مدیریت تابعی از سود است و مدیریت برای دریافت پاداش بیشتر دست به هموارسازی سود می‌زند. یکی دیگر از دلایل مدیریت برای هموارسازی سود این است که مدیریت امنیت شغلی می‌خواهد. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد سهامداران در شرکت‌های دارای سودهای هموار، رغبت بیشتری به سرمایه‌گذاری نشان می‌دهند و همچنین ناپایدار بودن سود را دلیل بر ریسکی بودن شرکت می‌دانند. بنابراین مدیری که هموارسازی سود نکند احتمال دارد شغل خود را از دست بدهد و برعکس مدیری که سودهای همواری را گزارش می‌کند ارزش سهام شرکت را افزایش می‌دهد و از این طریق ثروت سهامداران را بیشتر کرده و از طرف دیگر، سهامداران نیز امنیت شغلی وی را تضمین می‌کنند.

این موارد به خاطر وجود تضاد منافع بین سهامداران و مدیران اتفاق می‌افتد چون مدیران دنبال منافع مادی و همچنین امنیت شغلی و سهامداران به دنبال افزایش ثروت خود هستند. در بعضی مواقع، منافع مدیران موقعی تضمین می‌شود که منافع سهامداران تضمین شده باشد و مدیران انگیزه زیادی برای افزایش ثروت سهامداران دارند چون منافع آنان در گرو افزایش رفاه سهامداران است. پس مدیران دست به هموارسازی سود و افزایش ثروت سهامداران می‌زنند نه به خاطر این موضوع که ثروت آنها زیاد شود بلکه به خاطر این که منافع خود را تضمین کنند. مخصوصاً زمانی این رویداد رخ می‌دهد که حقوق و مزایای مدیران تابعی از افزایش ثروت سهامداران باشد. در این حالت مدیران با انگیزه بیشتری دست به هموارسازی سود خواهند زد.

رونن و سادن این فرضیه را تایید کردند که طرح‌های توافق شده حق‌الزحمه مبتنی بر سود عموماً به هموارسازی سود منجر می‌شود (Ronen and sadan, 1981). همچنین موسز به بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با محرک‌های اقتصادی نظیر اندازه شرکت، بازار سهام، نوع کنترل و مالکیت و طرح‌های پاداش پرداخت. مطالعات او به این نتیجه رسید که هموارسازی سود و در مورد شرکت‌های بزرگ، شرکت‌های دارای طرح‌های پاداش و شرکت‌هایی که سود واقعی آنها با سود مورد انتظارشان متفاوت است بیشتر مصداق دارد و همچنین به این نتیجه رسید که دلیل منطقی برای هموارسازی سود، تمایل مدیران به افزایش ارزش سهام شرکت می‌باشد. موسز به این نتیجه رسید که هر چه تفاوت بین سود مورد انتظار با سود واقعی بیشتر باشد هموارسازی سود بیشتری رخ می‌دهد (Moses, 1987).

روش‌ها یا ابزارهای هموارسازی سود  
تحقیق حاضر به هموارسازی مصنوعی سود می‌پردازد.

ابزارهای هموارسازی سود به شرح زیر می‌باشند:

طبقه‌بندی ابزارهای هموارسازی سود

آشاری، کو و ونگ ابزارهای هموارسازی را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده‌اند (Ashari, Koh and Wong 1994):

(۱) تغییر در خط مشی‌های حسابداری

(۲) هزینه‌های بازنشستگی

(۳) سود سهام

(۴) اقلام غیرمترقبه

(۵) معافیت مالیاتی سرمایه‌گذاری‌ها

(۶) استهلاک و هزینه‌های ثابت

(۷) تصمیمات اختیاری حسابداری

(۸) طبقه‌بندی‌های حسابداری

(۹) ذخیره‌ها و اندوخته‌ها

گوردون، هورویتز و میرزبه این نتیجه رسیدند که یکی از ابزارهای هموارسازی، روش‌های مالیاتی سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد.

(Gordon, Horwitz and Meyers 1966)

آرچی بسالد روش‌های استهلاک را به عنوان ابزار هموارسازی تایید کرده است. (Archibald 1967)

کشینگ معتقد است تغییرات روش‌های حسابداری یکی از ابزارهای هموارسازی می‌باشد. (Cushing 1969) داشر و مالکوم (Dasher and Malcom 1970) و رونن و سادن (Ronen and sadan, 1975) طبقه‌بندی رویدادهای تحت عنوان اقلام غیرمترقبه یا عکس آن را، به عنوان یکی از ابزارهای هموارسازی تایید کرده‌اند.

بیدلمن به این نتیجه رسید که شرکت‌ها از طریق طرح‌های پاداش، هزینه‌های بازنشستگی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های فروش و بازاریابی برای هموارسازی سود استفاده کرده‌اند. (Beidleman 1973). بریسا و الدین (Brayshaw and Eldin) کسویلند (Copeland 1968) شرایط زیر را برای متغیری پیشنهاد کرده است که نقش مناسبی را به عنوان ابزار هموارسازی به عهده می‌گیرد:

۱- استفاده از آن ابزار، شرکت را نسبت به انجام عمل خاص در آینده متعهد نسازد.

۲- منطبق بر قضاوت حرفه‌ای و در چهارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری باشد.

۳- تاثیر آن بر متغیر سود قابل ملاحظه باشد.

۴- نیاز به انجام یک مبادله واقعی با طرف دومی را ایجاد نکند.

همچنین بیدلمن دو ویژگی اصلی را لازمه ابزار مناسب هموارسازی می‌داند: (Beidleman 1973)

(۱) مدیران بتوانند با استفاده از این ابزار نوسان‌های سود را به گونه‌ای کاهش دهند که آنها را به تحقق اهداف بلندمدت

خود در گزارشگری سود نزدیک سازد.

(۲) استفاده از این ابزار شرکت را در آینده متعهد به عمل خاصی نکند.

در نقطه مقابل تحقیقات پیشگفته، تحقیقات دیگری نیز به نتایج متفاوتی دست یافتند. تحقیق دپوچ و درک در ارتباط با سود و زیان ناشی از فروش سرمایه‌گذاری‌ها به شواهدی دال بر وجود هموارسازی سود دست نیافت (Dopuch and Drake, 1966). همچنین وایت نتوانست وجود هموارسازی سود را با استفاده از تصمیمات اختیاری حسابداری به اثبات برساند (White, 1970).

کوپلند و لیکاسترو (Copeland and Licastro, 1968)

و برفیلد و کومیسکی (Barefield and Comiskey, 1972)

نیز که در مورد روش‌های مختلف حسابداری به تحقیق پرداختند موفق به یافتن شواهدی دال بر ارتباط بین هموارسازی سود و روش‌های حسابداری نشدند یکی از روش‌های هموارسازی سود تغییر در برآوردهای حسابداری است رونن و سادن (Ronen and sadan, 1975) و موسز (Moses, 1987) به این نتیجه رسیدند که تغییر در برآوردهای حسابداری نظیر برآورد استهلاک، برآورد مطالبات مشکوک‌الوصول می‌تواند بر سودهای گزارش شده تاثیر بگذارد.

نیکولز و ویلسون به شواهدی دست یافتند که نشان می‌داد پیش‌بینی مطالبات مشکوک‌الوصول با میزان سود همبستگی معکوسی دارد، به گونه‌ای که در شرایط نوسان‌پذیری معمول سود پیش‌بینی مطالبات مشکوک‌الوصول نقش عامل کاهنده این نوسان‌ها را به عهده می‌گیرد (Nichols and Wilson 1988).

با وجود اینکه اغلب تحقیقات بر یکی از ابزارهای مورد استفاده در هموارسازی سود تاکید کرده‌اند اما به نظر می‌رسد در عمل مدیران می‌توانند ترکیبی از این ابزارها را نیز به کار گیرند.

در تحقیقات صورت گرفته عمدتاً عواملی چون نوع مالکیت، نوع صنعت، اندازه شرکت، سودآوری، ملیت شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. که در زیر تشریح می‌شود. اسمیت در تحقیق خود به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که مالکیت آنها از مدیریت جدا است تمایل بیشتری به هموارسازی سود نشان می‌دهند و این شاید به دلایل گفته شده در افزایش رفاه مدیریت باشد (Smith 1976) و رونن و سادن (Ronen and sadan, 1981) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها در صنایع مختلف به درجاتی متفاوتی، دست به هموارسازی سود می‌زنند. و بیشتر شرکت‌های فعال در زمینه صنعت نفت و گاز و صنایع دارویی نسبت به سایر

سال ۷۰ تا ۷۹ مورد محاسبه قرار گرفته است. پس از بررسی مشخص گردید که ۲۵ درصد از شرکت‌های نمونه عمل هموارسازی سود را انجام داده‌اند و ۷۵ درصد عمل هموارسازی سود را انجام نداده‌اند. شرکت‌های نمونه پس از این آزمون به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز تقسیم شدند. پس از اثبات وجود هموارسازی سود فرضیه‌های اصلی این تحقیق به صورت زیر مطرح شدند.

**فرضیه اول:** بین میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز، تفاوت معنی داری وجود ندارد. **فرضیه دوم:** بین میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز در صنایع مختلف تفاوت معنی داری وجود ندارد.

**فرضیه سوم:** اندازه شرکت در کسب بازده غیرعادی تاثیر ندارد. برای بررسی فرضیه اول ابتدا بازده مورد انتظار و بازده واقعی شرکت‌ها را برای دوره مالی پنج ساله از سال ۷۵ تا ۷۹ به صورت ماهانه محاسبه شده و بازده غیرعادی از تفاضل بازده مورد انتظار و بازده واقعی بدست آمده است. بازده مورد انتظار از رابطه:

$$E(R_{jt}) = \alpha_j + \beta_j R_{mt} + \varepsilon_{jt}$$

در آن:

$R_{jt}$ : بازده شرکت  $j$  در طول دوره ماه  $t$

$R_{mt}$ : بازده شاخص بازار در ماه  $t$

$\varepsilon_{jt}$ : خلاصه مستغیری که نباید ارزش مورد انتظار آن صفر داشته باشد.

$\beta_j$ : پارامتری که حساسیت  $R_{jt}$  را به شاخص بازار اندازه گیری می‌کند.

در رابطه بالا فرض شده است که بازده اوراق فقط از عامل بازده بازار پیروی می‌کند و بعد بازده واقعی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

صنایع دست به هموار سازی سود می‌زنند.

موسز تحقیقی را به انجام رساند که نشان می‌داد متغیرهایی نظیر اندازه، میزان اختلاف سود واقعی و سود پیش بینی شده و طرح‌های پاداشی مدیران بر رفتار هموارسازی سود موثر است (Moses, 1987) و بالاخره آشاری و همکارانش در یک تحقیق گسترده به شناسایی عوامل موثر در هموارسازی سود پرداختند و متغیرهای اندازه، سودآوری، نوع صنعت و ملیت را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که به غیر از متغیر اندازه سایر متغیرها در هموارسازی سود موثر بوده‌اند (Ashari and et al 1994).

تحقیق در بورس اوراق بهادار تهران

در این تحقیق ۱۰۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که اطلاعات آنها در طول دوره تحقیق در دسترس بود به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. برای بررسی تاثیر هموار سازی سود بر بازده شرکت‌ها، ابتدا باید وجود پدیده هموارسازی سود در جامعه مورد مطالعه بررسی می‌شد. برای آزمون وجود پدیده هموارسازی سود از شاخص ایکل استفاده شده است. شاخص ایکل به صورت زیر است:

$$\text{شاخص ایکل} = \frac{CV\Delta I}{CV\Delta S}$$

$CV\Delta I$ : ضریب تغییرات سود

$CV\Delta S$ : ضریب تغییرات فروش

این شاخص ضریب تغییرات سود به فروش را در یک سری زمانی محاسبه می‌کند. هرگاه این ضریب کوچکتر از ۱ باشد شرکت‌ها عمل هموارسازی سود را انجام نداده و در مواقعی که این شاخص برای شرکتی بیشتر از ۱ باشد آن شرکت عمل هموارسازی سود را انجام داده است. برای بررسی وجود هموارسازی سود شرکت‌های نمونه، ضریب تغییرات سود خالص قبل از کسر مالیات به فروش در طی ۱۰ سال مالی از

نمایشگر ۱- میانگین بازده غیرعادی به تفکیک گروه شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز

میانگین بازده غیرعادی	تعداد	وضعیت شرکت‌ها از نظر هموارسازی
۰.۱۰۹۲۶	۲۵	گروه شرکت‌های هموارساز
۰.۷۹۰۹۲۲۲۳	۷۵	گروه شرکت‌های غیر هموارساز

$d_{j,t}$ : توزیع (سود نقدی، تعدیل سرمایه و سایر توزیع‌ها به سهامداران) توسط شرکت  $j$  در طول ماه  $t$

در این تحقیق، بازده مورد انتظار و بازده واقعی به صورت ماهانه محاسبه شده است و این با تحقیقات صورت گرفته در سایر کشورها نیز مطابقت دارد. در بعضی از تحقیقات صورت گرفته در کشورهای دیگر از بازده روزانه نیز استفاده شده است.

$$R_{j,t} = \frac{P_{j,t} + d_{j,t}}{P_{j,t} - 1}$$

در این رابطه:

$R_{j,t}$ : بازده ماهانه بازار، شامل توزیع‌هایی است که توسط شرکت  $j$  در طول ماه  $t$  بدست آمده است.

$P_{j,t}$ : آخرین قیمت فروش شرکت  $j$  در طول ماه  $t$

$P_{j,t-1}$ : آخرین قیمت فروش شرکت  $j$  در طول ماه  $t-1$



بعد از محاسبه بازده مورد انتظار و بازده واقعی، بازده غیرعادی به صورت زیر به دست آمده است.

$$AR_{jt} = R_{jt} - (\alpha_j + \beta_j R_{mt})$$

و میانگین بازده غیر نرمال نمونه به صورت زیر محاسبه شده است.

$$AAR_t = \frac{\sum_{j=1}^N AR_{jt}}{N}$$

$AAR_t$ : میانگین بازده غیرعادی

$N$ : تعداد شرکت‌ها

$T$ : ماه‌های تجاری

میانگین بازده غیرعادی بدست آمده از محاسبات در نمایشگر ۱ به صورت خلاصه آمده است:

نمایشگر ۲- میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز و غیرهموارساز برحسب نوع صنعت

بازده غیرعادی				
صنایع	شرکت	میانگین	تعداد	انحراف معیار
کافی و محصولات غیرفلزی	هموارساز	۰/۰۸۹۳۶۱	۶	۰/۲۶۵۶۱
	غیرهموارساز	۰/۰۸۲۶۷	۱۵	۰/۱۰۲۸۵۸
	جمع	۰/۰۸۳۱۵۱	۲۱	۰/۰۸۸۷۹۱
صنایع غذایی	هموارساز	۰/۱۰۲۹۵۳	۷	۰/۱۱۹۲۹۸
	غیرهموارساز	۰/۰۵۹۹۷۶	۷	۰/۰۱۶۸۲۳
	جمع	۰/۰۸۱۴۶۴	۱۴	۰/۰۸۴۸۳۲
صنایع نساجی	هموارساز	۰/۰۸۸۸۳۳	۱	۰
	غیرهموارساز	۰/۰۸۳۱۶۷	۴	۰/۰۵۳۱۶۵
ماشین‌آلات و تجهیزات	جمع	۰/۰۸۵۱۰۰	۵	۰/۰۴۶۰۹۰
	هموارساز	۰/۰۷۶۴۵۸	۳	۰/۰۵۳۱۵۹
	غیرهموارساز	۰/۰۵۹۳۳۴	۷	۰/۰۵۶۰۴۷
فلزی	جمع	۰/۰۶۵۵۶۱	۱۱	۰/۰۵۲۹۸۲
	هموارساز	۰/۱۲۸۰۰۰	۱	۰
	غیرهموارساز	۰/۱۱۷۳۷۶	۷	۰/۰۶۹۵۲۰
لاستیک و پلاستیک و فرآورده‌های نفتی ناروئی	جمع	۰/۱۲۱۲۹۲	۸	۰/۰۶۵۲۶۲
	هموارساز	۰/۰۷۲۳۳۴	۲	۰/۰۰۸۰۱۴
	غیرهموارساز	۰/۱۱۰۶۳۳	۷	۰/۰۲۶۹۳۰
کاغذ و محصولات کاغذی	جمع	۰/۱۰۲۵۷۳	۹	۰/۰۲۸۳۳۷
	هموارساز	۰/۱۴۵۲۷۸	۳	۰/۰۱۵۸۵۰
	غیرهموارساز	۰/۰۸۵۸۳۳	۷	۰/۰۴۲۹۶۲
شیمیایی	جمع	۰/۱۰۳۶۶۷	۱۰	۰/۰۳۵۹۴۴
	هموارساز	۰/۰۷۲۳۳۳	۸	۰/۰۴۳۴۱۱
	غیرهموارساز	۰/۰۷۲۳۳۳	۸	۰/۰۴۳۴۱۱
وسایل نقلیه موتوری و حمل و نقل	جمع	۰/۰۷۰۰۲۸	۶	۰/۰۵۷۲۹۵
	هموارساز	۰/۰۷۰۰۲۸	۶	۰/۰۵۷۲۹۵
	غیرهموارساز	۰/۱۵۰۰۰۰	۱	۰
برقی و رادیو و تلویزیون	جمع	۰/۰۷۲۷۰۸	۴	۰/۰۵۲۶۸۵
	هموارساز	۰/۰۸۸۱۶۷	۵	۰/۰۵۷۲۴۱
	غیرهموارساز	۰/۱۱۳۶۶۷	۳	۰/۰۳۱۵۲۷
جمع	جمع	۰/۱۱۳۶۶۷	۳	۰/۰۳۱۵۲۷
	هموارساز	۰/۱۰۱۳۶۰	۲۵	۰/۰۶۸۷۰۰
	غیرهموارساز	۰/۰۸۲۸۲	۷۵	۰/۰۶۳۱۷۸
جمع	جمع	۰/۰۸۷۶۵۲	۱۰۰	۰/۰۶۳۷۲۷

نمایشگر ۳- میانگین بازده غیرعادی گروه شرکت‌های کوچک و بزرگ بدون در نظر گرفتن وضعیت هموارسازی سود

ردیف	میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های بزرگ	میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های کوچک
۱	/۰۷۱۴۸	/۱۰۴۲۰۶۷۶

نمایشگر ۴- میانگین بازده غیرعادی گروه شرکت‌های کوچک و بزرگ با در نظر گرفتن وضعیت هموارسازی سود

شرح	بازده غیرعادی شرکت‌های کوچک	بازده غیرعادی شرکت‌های بزرگ
گروه شرکت‌های هموارساز	/۰۷۵۷۷۷۶۶۶	۰/۱۵۳۰۳۴
گروه شرکت‌های غیرهموارساز	۰/۷۰۸۷۱۲۲۷	۰/۰۹۱۷۳۹۹۵

اول تفاوت معنی‌داری در سطح صفر درصد خطا بین میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز مشاهده نشد. در مورد فرضیه دوم میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز در صنایع مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید. همچنین میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز در صنایع مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد و میانگین بازده غیرعادی شرکت‌ها در صنایع مختلف بدون در نظر گرفتن وضعیت هموارسازی سود تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در مورد فرضیه سوم که ارتباط اندازه شرکت‌ها با بازده غیرعادی را مورد بررسی قرار می‌دهد ارتباطی وجود نداشت.

#### نتیجه‌گیری

نتایجی که از این تحقیق بدست آمد به صورت زیر می‌باشد.

۱- پدیده هموارسازی سود در جامعه مورد مطالعه وجود دارد.

۲- هموارسازی سود در بازده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موثر نیست.

۳- نوع صنعت و اندازه شرکت در کسب بازده غیرعادی موثر نیست.

همان‌طور که در ادبیات موضوعی تحقیق بیان شد در کشورهای دیگر هموارسازی سود در بازده شرکت‌ها موثر است و شرکت‌های هموارساز بازده غیرعادی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیر هموارساز برای سهامداران خود بدست آورده‌اند. نوع صنعت و اندازه شرکت‌ها نیز در کسب بازده غیرعادی موثر است. دلایل احتمالی مغایرت در نتایج بدست آمده محیط اقتصادی، محیط فرهنگی می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

1- Hepworsh

۲- برای مطالعه بیشتر درباره قدمت هموارسازی سود رجوع شود به: آقایی محمدعلی و حسن کوچکی "گمانه‌هایی پیرامون نمایش سود"، فصلنامه

برای بررسی فرضیه دوم (تاثیر نوع صنعت در کسب بازده غیرعادی) ابتدا شرکت‌های نمونه برحسب طبقه‌بندی رایج در بورس اوراق بهادار تهران در ۱۱ گروه طبقه‌بندی شدند. سپس میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز در صنایع مختلف و میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های غیر هموارساز در صنایع مختلف و میانگین بازده غیرعادی هر صنعت بدون در نظر گرفتن وضعیت هموارسازی مشخص و بررسی‌های زیر صورت گرفت:

۱- میانگین بازده غیرنرمال شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز هر صنعت مورد مقایسه قرار گرفتند.

۲- میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های هموارساز در صنایع مختلف با هم مورد مقایسه قرار گرفت (این کار از طریق آزمون دانکن صورت گرفته است).

۳- میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های غیرهموارساز در صنایع مختلف با هم مورد مقایسه قرار گرفت.

میانگین‌های به دست آمده در موارد فوق در نمایشگر ۲ خلاصه شده است.

برای بررسی فرضیه سوم (تاثیر اندازه شرکت در کسب بازده غیرعادی)، ابتدا ۱۰۰ شرکت انتخاب شده بر حسب ارزش بازار آنها در تاریخ ۷۹/۱۲/۲۹ از بزرگ به کوچک مرتب شده و ۲۵ شرکت اول به عنوان شرکت‌های بزرگ و ۲۵ شرکت آخر به عنوان شرکت‌های کوچک در نظر گرفته شده‌اند.

معمولاً از میزان دارایی، جمع فروش شرکت به عنوان معیار اندازه شرکت استفاده می‌کنند ولی در تحقیق صورت گرفته توسط بدری این دو عامل که به عنوان اندازه شرکت در نظر گرفته شده بود، اندازه شرکت به عنوان عاملی موثر در هموارسازی سود شناخته نشده بود. به همین دلیل از ارزش بازار شرکت‌ها به عنوان معیار اندازه شرکت استفاده شده است. میانگین بازده غیرعادی شرکت‌های کوچک و بزرگ بدون در نظر گرفتن وضعیت هموارسازی سود در نمایشگر ۳ و ۴ آمده است.

پس از محاسبات و آزمون‌های آماری لازم نظیر آزمون F و آزمون T آزمون نسبت‌ها، آزمون دانکن در مورد فرضیه

Avoid Earnings Decreases and Losses," *Journal of Accounting & Economics* 24: 99-126.

8-Burgstahler, D., 1997, "Incentives to Manage Earnings to Avoid Earnings Decreases and Losses: Evidence from Quarterly Earnings," Working paper, University of Washington, August 14.

9-Cooper, W.W. and Ijiri, 1983, *Kohler's Dictionary for Accountants*, six edition, P.463.

10-DeGeorge, F., J. Patel, and R. Zeckhauser, 1999, "Earnings Management to Exceed Thresholds," *Journal of Business* 72: 1-33.

11-Defond, M. L. and C. W. Park. 1997. "Smoothing Income in Anticipation of Future Earnings" *Journal of Accounting and Economics* 23 (July): 145-176.

12- Demski, J.S., J.M. Patell, and M. A. Wolfson 1984, "Decentralized choice of Monitoring Systems." *Accounting Review*. 59:16-34.

13-Eckel, N. 1981. "The Income Smoothing Hypothesis Revisited." *Abacus* 11: 28-40.

14-Jaggi, B., and A. Sannella. 1995. "The Association Between the Accuracy of Management Earnings Forecasts and Discretionary Accounting Changes." *Journal of Accounting Auditing and Finance* 10: 1-21.

15-Jones, J. 1991. "Earnings Management During Import Relief Investigations." *Journal of Accounting Research* 29 (Autumn): 193-228.

16-Michelson, S. E., J. Jordan-Wagner. and C. W. Wootton. 1995. "A Market Based Analysis of Income Smoothing." *Journal of Business Finance and Accounting* 22: 1179-1193.

17- . . , 1999, "Income Smoothing and Risk-Adjusted Performance", Working Papers, www.ssrn.Com.

18- Moses, O. D. 1987. "Income Smoothing and Incentives: Empirical Tests Using Accounting Changes." *Accounting Review* 62: 358-377.

19- Rangan, S., 1998, "Earning Management and the Performance of Seasoned equity offerings." *Journal of Business*. 50(1): 101-122.

20- Ronen, J., and S. Sadan. 1981. "Smoothing Income Numbers, Objectives, Means, and Implications." Reading, MA: Addison Wesley.

21- Skinner, D. J., and R. G. Sloan, 1998, "Earnings Surprises, Growth Expectations, and Stock Returns," Working paper, University of Michigan.

22- Trueman, B. and S. Titman, 1988, "An Explanation for Accounting Income Smoothing." *Journal of Accounting Research*: 26:127-139.

23- Watts, R.L. and J.L. Zimmerman, 1986, *Positive Accounting theory*, Englewood Cliffs : Prentice Hall New Jersey, USA.

علمی و پژوهشی، بررسی‌های حسابداری شماره‌های ۱۵ و ۱۴، ۱۳۷۴، صص ۳۲-۴۹.

3- Natural smooth

4- Intentionally Being Smoothed by Management

5- Real Smoothing

6- Artificial smoothing

7- Accounting Manipulations

8- Improving Share Holders Welfare

9- Facilitating the Predictability of Income

10- Enhancing the Manager's Welfare

11- Events Occurrence and / or Recognition

12- Classification

13- Allocation Overtime

14- Classification

منابع و سآخذ

منابع فارسی

۱- آقائی، محمدعلی و حسن کوچکی. "گمانه‌هایی پیرامون نمایش سود". فصلنامه علمی و پژوهشی بررسی‌های حسابداری، شماره‌های ۱۵ و ۱۴، ۱۳۷۴.

۲- بدری، احمد. "شناسایی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در جامعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پایان‌نامه دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

۳- جوادیان کوتابی؛ حمیدرضا. "هموارسازی سود". ماهنامه حسابداری، ۱۳۷۹.

منابع انگلیسی

1- Ashari, N., H. C. Koh, S. L. Tan, and W. H. Wong. "Factors Affecting Income Smoothing Among Listed Companies in Singapore." *Accounting and Business Research*, Autumn 1994

2- Barnea, A., Ronen, J. and S., Sadan. "Classificatory Smoothing of Income with Extraordinary Items". Working paper. www.ssrn.Com, 1998.

3- Barber, B.M., and J.D. Lyon, 1997, "Detecting long-run abnormal stock returns: The empirical power and specification of test statistics," *Journal of Financial Economics* 43: 341-372.

4-Bartov, E., 1993, "The Timing of Asset Sales and Earnings Manipulation," *The Accounting Review* 68: 840-855.

5-Beattie, V., S. Brown, D. Ewers, B. John, S. Manson, D. Thomas, and M.Turner, 1994, "Extraordinary Items and Income Smoothing: A Positive Accounting Approach", *Journal of Business Finance and Accounting*. 21:791-811 .

6- Booth, G. G., J. Kallunki, and T. Martikainen 1996. "Post-Announcement Drift and Income Smoothing: Finnish Evidence." *Journal of Business Finance and Accounting* 23: 1197-1211.

7-Burgstahler, D., and I. Dichev, 1997, "Earnings Management to